



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش های سیاسی

مصاحبه پژوهشی:

آثار اقتصادی پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای



فرآورده های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: محمود نانکلی

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

۲ مقدمه
۲ پیشینه تشکیل سازمان همکاری شانگهای
۴ منطقه گرایی و اهمیت آن
۶ آثار اقتصادی پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای
۱۱ نتیجه گیری
..... منابع



مقدمه

بیست و یکمین اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای^۱ با حضور سران ۱۲ کشور عضو و ناظر در شهر دوشنبه پایتخت تاجیکستان برگزار شد. در این اجلاس سند عضویت دائم ایران پس از نزدیک به ۱۶ سال عضویت ناظر پذیرفته شد. بر این اساس و در پایان بیست و یکمین نشست سران سازمان شانگهای، سران ۸ کشور عضو اصلی سازمان، نظر موافق خود را با تبدیل عضویت جمهوری اسلامی ایران از عضو ناظر به عضو اصلی اعلام و اسناد مربوط به آن را امضا کردند. بر این اساس فرآیند فنی تبدیل عضویت ایران به عنوان یکی از اعضای اصلی سازمان آغاز شده و انتظار می‌رود این فرآیند بین یک سال و نیم تا دو سال به طول بیانجامد.

وجود سازمانهای بین‌المللی در جامعه بین‌المللی معاصر واقعیت انکار ناپذیری است که دولت‌ها آن را نیازی برای حل و رفع مشکلات خود در سطوح منطقه‌ای و جهانی می‌دانند. این جریان جدید به عنوان یکی از مکانیسم‌های تحقق همگرایی منطقه‌ای در مناطق مختلف جغرافیایی با ماهیت و کارکرد اقتصادی، سیاسی و نظامی تأسیس شده و به تدریج بسط و گسترش یافتند. سازمانهای منطقه‌ای برای برون رفتن از مشکلات اقتصادی، امنیتی و غیره مورد توجه کشورهای قرار گرفته است بخصوص کشورهای در حال توسعه که با تشکیل این گونه گروه‌بندیها بتوانند به همگرایی منطقه‌ای مؤثر دست یابند. یکی از سازمانهای منطقه‌ای مهم، سازمان همکاری شانگهای می‌باشد که بر اساس شرایط و مقتضیات جامعه بین‌المللی و منطقه‌ای تشکیل شده است. در تهیه این گزارش دکتر مهرداد پارسانش - مدیر اطلاعات و برنامه ریزی صندوق ضمانت صادرات ایران - ما را یاری کرده و این گزارش از طریق مصاحبه مکتوب در شهریور ۱۴۰۰ جمع‌آوری شده است.

پیشینه تشکیل سازمان همکاری شانگهای

سازمان همکاری شانگهای به منظور همکاری‌های چندجانبه امنیتی، اقتصادی و فرهنگی و از دل رقابت قدرت‌های بزرگ بر سر منطقه ژئوپلیتیک آسیای مرکزی پدیدار شد و در ۲۶ آوریل ۱۹۹۶ با عنوان «شانگهای ۵» در شهر شانگهای چین پایه‌گذاری شد. در آن جلسه سران کشورهای روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان گرد هم آمدند تا برای اعتمادسازی امنیتی در مرزها و با هدف برقرار کردن موازنه در برابر نفوذ آمریکا و ناتو در منطقه، با یکدیگر مذاکره کنند. دستور کار اجلاس نیز به توسعه اقدامات اعتمادسازی امنیتی در نواحی مرزی محدود می‌شد، اما در پنجمین نشست سران شانگهای ۵ در شهر شانگهای که در ژوئن سال ۲۰۰۱ برگزار شد کشورهای چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان با امضای بیانیه‌ای تشکیل «سازمان همکاری شانگهای» را اعلام کردند. در سال ۲۰۰۵ نیز چهار کشور از جمله ایران، پاکستان، هند و بلاروس به عضویت ناظر این سازمان نایل شدند.

نقش اصلی و تعیین‌کننده را در سازمان شانگهای، دو کشور چین و روسیه تشکیل می‌دهند. مسایل امنیتی در آسیای میانه به ویژه تروریسم، جدایی طلبی و افراطی‌گری عموماً دغدغه اصلی این سازمان محسوب می‌شود.

در تاریخ ۱۰ ژوئیه ۲۰۱۵ این سازمان با عضویت هندوستان و پاکستان موافقت نمود و این دو کشور در کمتر از دو سال همه شرایط برای عضویت کامل این سازمان را اجرا کردند و عضویت این دو کشور در سازمان همکاری شانگهای در اجلاس

1 Shanghai Cooperation Organization(SCO)

رهبان کشورهای عضو این سازمان که طی در ژوئیه ۲۰۱۷ در آستانه، پایتخت قزاقستان، برگزار شد، به تصویب رسید. جمهوری اسلامی ایران نیز پس از سال‌ها انتظار و تلاش سیاسی در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۱ رسماً به عضویت کامل سازمان همکاری‌های شانگهای پذیرفته شد.

نقش این سازمان از زمان تأسیس آن تاکنون در منطقه افزایش یافته است. حضور دو قدرت دارای حق وتو، چهار قدرت هسته‌ای، ۴۲ درصد جمعیت جهان و ۲۸ درصد تولید ناخالص جهانی باعث شده تا اهمیت سازمان شانگهای در ابعاد مختلف منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین‌المللی قابل توجه باشد.

سازمان همکاری‌های شانگهای در درجه اول بر نگرانی‌های مربوط به امنیت کشورهای آسیای مرکزی کشورهای عضو متمرکز شده بود و به دنبال مقابله با تهدیدهای تروریسم، جدایی طلبی و افراط‌گرایی بوده است. در این میان با گذشت دو دهه از تأسیس آن همکاری‌های اقتصادی میان اعضا نیز گسترش بیش از پیش یافته است. این سازمان به دنبال تقویت اعتماد متقابل بین کشورهای عضو است و اهداف ارتقاء همکاری موثر آنها در سیاست، تجارت، اقتصاد، تحقیقات، فناوری و فرهنگ و همچنین در زمینه آموزش، انرژی، حمل و نقل، گردشگری، حفاظت از محیط زیست و سایر زمینه‌ها؛ تلاش مشترک برای حفظ و تضمین صلح، امنیت و ثبات در منطقه و حرکت به سوی استقرار یک نظم سیاسی و اقتصادی جدید بین‌المللی دموکراتیک، عادلانه و منطقی را پیگیری می‌نماید. سازمان همکاری‌های شانگهای سیاست داخلی خود را بر اساس اصول اعتماد متقابل، منافع متقابل، برابری، مشورت‌های متقابل، احترام به تنوع فرهنگی و تمایل به توسعه مشترک تعیین کرده و اصول سیاست خارجی آن نیز مطابق با اصول عدم تعهد، عدم هدف قرار دادن هر کشور ثالث است.

عضویت در این سازمان بین‌المللی به عنوان معاهده بین‌المللی که هیچ کشور غربی در آن حضور نداشت، با توجه به ایجاد سیاست نگاه به شرق برای ایران بسیار مهم بود.

در همین راستا برای تعاملات بیشتر اعضاء فعالیت‌های اقتصادی سازمان همکاری‌های شانگهای در سه بخش، افزایش سطح بازرگانی، همکاری‌های بانکی و باشگاه مشترک انرژی به شرح زیر شکل گرفت:

- چهارچوب توافقنامه همکاری اقتصادی کشورهای عضو پیمان نخستین بار در نشست مورخ ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۳ تهیه و به امضا رسید. در این نشست رئیس دولت چین پیشنهاد کرد که برنامه بلندمدتی برای تشکیل منطقه آزاد تجاری در سازمان تهیه شود. وی در این پیشنهاد ضمناً چندین راهکار کوتاه مدت برای افزایش سطح بازرگانی در میان کشورهای عضو ارائه داد. یکسال پس از این نظر، در ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۴، سندی شامل یکصد برنامه مشخص برای افزایش سطح بازرگانی میان کشورهای عضو به امضا رسید. در نشست مسکو مورخ ۲۵ اکتبر ۲۰۰۵، دبیرکل سازمان اعلام کرد که پروژه‌های مشترک سازمان در زمینه انرژی دارای اولویت بالا هستند. این پروژه‌ها شامل کشف، استخراج و بهره‌برداری از حوزه‌های نفت و گاز، و استفاده مشترک اعضا از منابع آب شیرین می‌باشند.

- دستاورد مهم دیگر این نشست توافق برای تشکیل شورای مشترک بانکی بین کشورهای عضو سازمان بود. هدف از تشکیل این شورای مشترک بانکی، تسهیل در فراهم نمودن سرمایه مورد نیاز برای اجرای پروژه‌های مشترک سازمان عنوان شده است. در پی این توافق، نخستین گردهمایی شورای مشترک بانکی سازمان همکاری شانگهای در ۳۰ نوامبر ۲۰۰۶ در پکن پایتخت چین برگزار شد.
- متعاقب آن، کنفرانس بین‌المللی «سازمان همکاری شانگهای: دستاوردها و دیدگاه‌ها» در شهر آلماتی پایتخت قزاقستان برگزار شد. در این کنفرانس، نماینده وزارت خارجه روسیه اعلام کرد که روسیه فکر بنیان‌گذاران تشکیلاتی بین‌المللی با نام «باشگاه انرژی» را در سر می‌پروراند. دولت روسیه مجدداً در نشست سازمان در نوامبر ۲۰۰۷ در مسکو بر عزم خود برای تشکیل این باشگاه انرژی تأکید نهاد.

منطقه گرایی و اهمیت آن:

سازمان همکاری شانگهای به عنوان نمونه بارزی از منطقه گرایی نوین در آسیا، با هدف حل و فصل اختلافات مرزی و تقویت اعتماد متقابل میان اعضا به وجود آمد که به تدریج منجر به توسعه سازمان و توجه آن به موضوعات اقتصادی و بازرگانی و... گردید.

در این راستا استراتژی جمهوری اسلامی ایران در راستای سیاستهای همکاری منطقه ای، کسب فرصتهای سیاسی، امنیتی، اقتصادی، تجاری و فرهنگی و همچنین بالا بردن قدرت چانه زنی در برابر غرب است؛ که از جمله دلایل و منافع اصلی علاقه مندی ایران برای عضویت کامل در سازمان همکاری شانگهای بوده است.

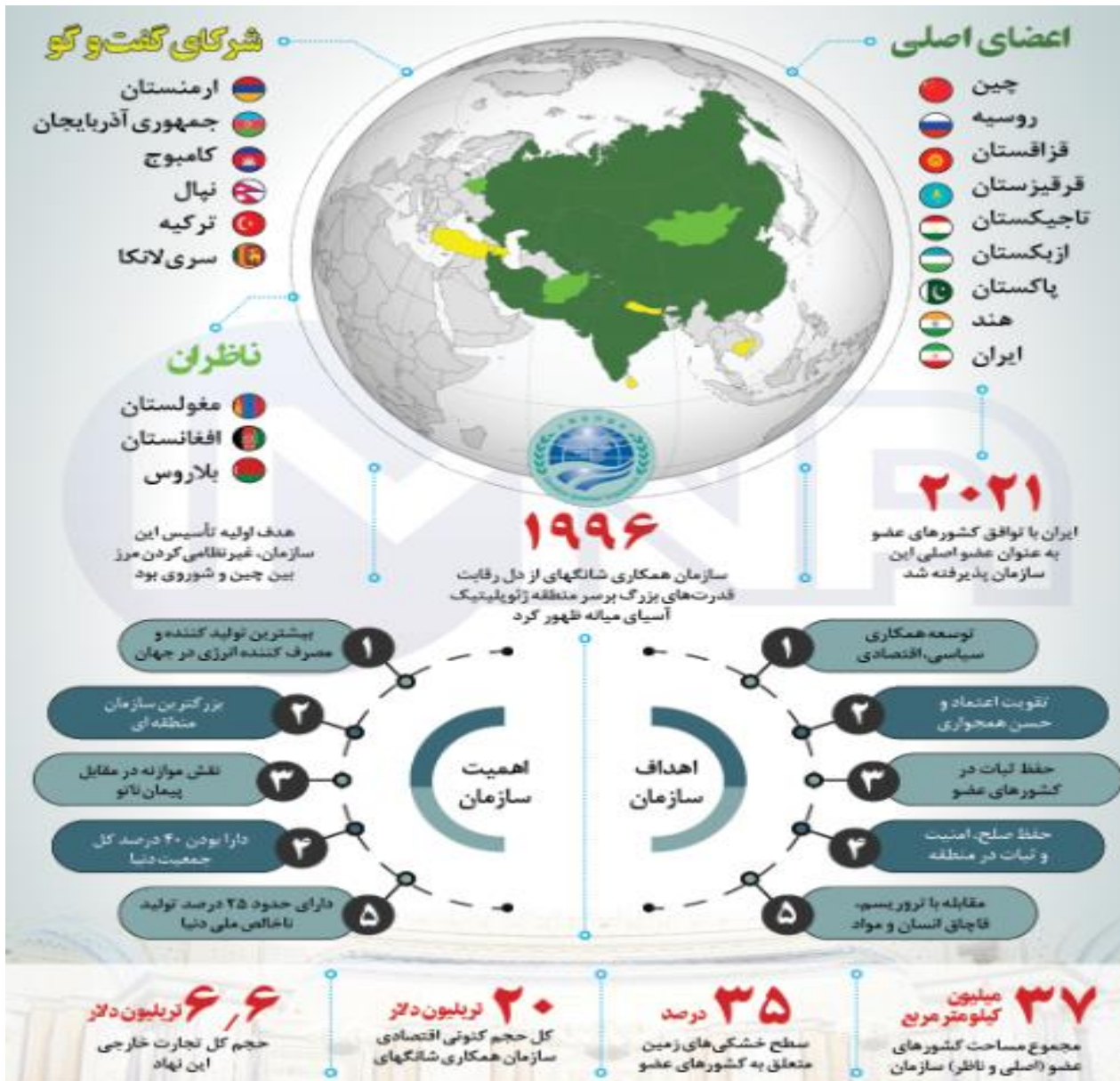
با توجه به پتانسیل و توانمندی های ایران و با توجه به دگرگونی های بین‌المللی، ایران می تواند از پتانسیل های سازمان برای تأمین منافع ملی و ارتقاء جایگاه خود در سطح منطقه ای و بین المللی در راستای اهداف چشم انداز بیست ساله گام بردارد. منافع ملی در هر کشوری با توجه به شرایط سیاسی، جغرافیایی و تاریخی آن کشور منطبق بر ارزش های حیاتی، اصول اساسی و مورد قبول جامعه تبیین می شود. این اصول اساسی، خود برگرفته از فلسفه و عرفان، فرهنگ و تاریخ، آداب و سنن و گذشته یک ملت هستند. منافع ملی به مثابه واقعیتی عینی در نظر گرفته می شود که برحسب قدرت تعریف می گردد و اصول حاکم بر رفتار بازیگران سیاسی، تحت تأثیر وضعیت مکانی و زمانی آن کشور است. در عین حال، اقدام سیاستمداران در راستای اقتضای منافع ملی است که به بهبود وضعیت قدرت کشور یاری می‌رساند. منافع ملی با سیاست خارجی در ارتباط است. منافع ملی ناظر بر مجموعه ای از اولویت های مشترکی است که در روابط بین کشورها مدنظر قرار می گیرد. طبق اصل منافع ملی در سیاست های منطقه ای، تنش زدایی در عرصه بین المللی و جایگزینی تفاهم و گفتگو در سیاست خارجی بر اساس عضویت در سازمانهای منطقه ای و بین المللی، می‌تواند حافظ منافع ملی جمهوری اسلامی ایران باشد. در عین حال همکاری و همگرایی های منطقه ای موجب رفاه، ثروت و کسب قدرت برای کشورها می‌شوند و به دولت ها در رسیدن به اهداف سیاسی، اقتصادی و امنیت، که جزو اهداف و منافع ملی حیاتی کشورها نیز هستند، کمک شایانی می نمایند.

طبیعتاً هم زمان با بهره‌گیری از نظریه همگرایی، بحث منطقه گرایی هم مورد توجه قرار می گیرد. بر این اساس به عنوان یک فرآیند، آن تحولی است که در راستای افزایش همکاری میان دولتها و انتقال تدریجی اقتدار به نهادهای فوق ملی و هم چنین حرکتی است در راستای همگون سازی تدریجی ارزشها و بالاخره ظهور یک جامعه مدنی جهانی و اشکال جدید اجتماع سیاسی. منطقه گرایی در ادبیات روابط بین الملل هنگامی کاربرد دارد که دولتهای واقع در یک منطقه جغرافیایی که دارای

علايق مشترك هستند از طريق سازمانهاي منطقه اي با يكدیگر همكاريهاي نظامي، سياسي و اقتصادي داشته باشند . مجموعه اي از شرايط پس زمينه اي اند كه محيط اجتماعي، اقتصادي و رواني لازم (اما نه لزوماً كافي) را براي شكل گيري اجتماع امنيتي يا همگرایی بويژه در نيل به پيوندهاي اقتصادي قويتر و پرسودتر از طريق پيوندهاي جديد، ارتقاء ظرفيتهاي سياسي و اداري ، ارتقاء رشد اقتصادي ، خلق پيوندهاي در ارتباطات اجتماعي در ورای مرزهاي مشترك سرزمينهائي كه قرار است همگرایی میان آنها صورت گیرد، گسترش دامنه جريان ارتباطات و مبادلات متقابل؛ متقابل بودن سود در جريانات ارتباطاتي و مبادلاتي میان كشورهايي كه قرار است به همگرایی دست يابند (يعني همه از مبادلات سود ببرند، نه آنكه يكي سود ببرد و ديگري زيان كند) و... را آماده سازند.

تحولات كنوني جهان معاصر بر اهميت همكاري كشورها با يكدیگر براي مقابله با تهديدات مختلف كه اكثريت آنها اهميتي بين المللي يافته اند، افزوده است. فروپاشي بلوك شرق و بي اعتباري نظام دوقطبي، تحولات متعددي را در سطح منطقه اي و بين المللي ايجاد نمود. از اين روي با فروپاشي شوروي و استقلال كشورهاي مشترك المنافع موجب گرديد تا اين كشورها و نيز همسايگان آنها، با معضلاتي به وجود آمده از تحولات بين المللي، شرايط خاص منطقه اي و مشكلات سياسي و اقتصادي روبرو شوند. بي ثباتي اقتصادي، ضعف جامعه مدني و شايط نامساعد سياسي، نگراني كشورهاي عضو از تشديد اختلافات مرزي و حركات نظامي يكدیگر، نگراني از تشديد افراط گرایی، تروريسم و جدائي طلبي در منطقه، جنگ افغانستان، آسيای مركزي را از حاشيه به متن كشاند و اهميت استراتژيك آن را براي كشورهاي غربي دو چندان كرد. تحولات سياسي جديد، توازن قدرت را به شدت در اين منطقه آسيب پذير نمود، در حال حاضر اين منطقه بار ديگر عرصه بازی قدرتهاي بزرگ است و منافع كشورهاي عضو بخصوص روسيه و چين را دوچندان به خطر انداخته است و اين كه در چارچوب منافع اعضا و به ويژه چين و روسيه و همچنين همگرایی اين سازمان با ايران كه باعث رويکرد همسان در مواردی همچون مسئله انرژي هسته اي می شود و وجود دو کشور اتمي ديگر (هند و پاكستان) نيز در اين سازمان كه از لحاظ امنيتي با هم اختلاف دارند مورد توجه بوده و واجد اهميت می باشد.

سازمان همکاری‌های شانگهای در یک نگاه:



آثار اقتصادی پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای

عضویت کامل ایران در سازمان همکاری شانگهای می‌تواند سرآغاز تحولات بزرگی در روابط اقتصادی و پیوندهای ایران با کشورهای بزرگ جهان مانند چین، پاکستان، روسیه، هند و پاکستان باشد و چه بسا به موازنه قدرت در روابط با سایر قدرت‌های جهانی نیز منجر شود. این سازمان پس از ۲۵ سال از تشکیل، به پیمان منطقه ای بزرگی تبدیل شده است. SCO با در اختیار داشتن ۲۰ درصد ذخایر نفتی و ۵۰ درصد ذخایر گاز جهان، قابلیت آن را دارد که در دهه‌های آینده به یکی از بزرگترین قطب‌های بین‌المللی اقتصادی و انرژی تبدیل شود و مدیریت و کنترل بخش عظیمی از انرژی جهانی را در اختیار بگیرد. بررسی اطلاعات آماری مربوط به کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای نشان می‌دهد که اعضای این سازمان قابلیت آن را دارند که در آینده نزدیک به یکی از بزرگترین قطب‌های بین‌المللی اقتصادی، تجاری، سرمایه‌گذاری خارجی، انرژی و نظامی در جهان تبدیل شوند. قلمرو جغرافیایی وسیع، جمعیت زیاد، منابع انرژی گسترده، سلاح‌های هسته‌ای، نیروهای مسلح، حق و تو در شورای امنیت و عامل‌های دیگر به این سازمان ظرفیت اقتصادی، سیاسی و نظامی بالایی

می‌بخشد. این سازمان هم بزرگترین تولیدکننده گاز و هم بزرگترین مصرف کننده را در خود دارد، بنابراین پایه اصلی رقابت های آینده به سوی مدیریت منابع انرژی است.

این سازمان بیش از ۴۰ درصد از جمعیت دنیا را در بر می‌گیرد و از نظر وسعت خاک، بخش قابل توجهی را پوشش می‌دهد که شامل کشورهای آسیای میانه، چین، روسیه، هند، ایران و پاکستان و افغانستان و البته بخشی از آسیای جنوبی، غرب آسیا و حتی خاورمیانه مثل عربستان است.

اکثر کارشناسان اقتصادی و علوم سیاسی اعتقاد دارند که طی دو الی سه دهه آینده یا حتی زودتر هژمونی غرب بر آسیا در حوزه اقتصاد رو به افول خواهد بود و آسیا به رهبری چین جایگزین می‌گردد. بر اساس این پیش‌بینی ها، کشورهای چین و هند به ترتیب کشورهای اول و دوم اقتصاد دنیا می‌شوند و البته روسیه هم همواره جزو قدرت‌های برتر بوده است. کشورهای روسیه، هند، پاکستان و چین قدرت اتمی دنیا هستند و اعضای اصلی شورای امنیت چون چین و روسیه در این پیمان عضو هستند؛ همین مسئله نشانگر این است که سازمان همکاری شانگهای اهمیتی و برای یک سازمان امنیت منطقه‌ای را دارد. از این روی عضویت ایران در سازمان همکاری های شانگهای که تمام این کشورها حضور دارند، برای کشور فرصتی بسیار خوب می‌تواند هم از بعد سیاسی، امنیتی و اقتصادی باشد. در صورت مدیریت این فرصت، می‌توان به رشد اقتصادی مثبت خوشبین بود. از سوی دیگر مدتهاست که سه کشور پاکستان، چین و روسیه تصمیم گرفته اند در مبادلات تجاری به جای دلار از ارزهای خود استفاده کنند. این سه کشور با همکاری دیگر کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای بدنبال حذف دلار از چرخه اقتصادی خود هستند. حذف دلار موضوع تازه‌ای نیست و سابقه طولانی دارد، اما در چند سال اخیر تلاش کشورها برای خارج شدن از سیطره دلار شدت گرفته است. این امر می‌تواند تسلط دلار بر بازارهای جهانی بویژه در قاره آسیا را کم رنگ نماید.

ایران توانسته است اعتماد کشورهای سازمان همکاری شانگهای را به سوی خود جلب کند و اکنون این کشورها حاضرند ایران را به عنوان یک متحد بپذیرند. این موضوع خصوصاً برای ایران که طی دهه‌های اخیر با تحریم‌های سخت آمریکا مواجه بوده، خوشایند است. پیوستن ایران به SCO باعث افزایش نفوذ جغرافیای این سازمان و گسترش آن تا خاورمیانه و حتی ورای آن خواهد شد. و این امر می‌تواند فرصت بی نظیری برای تجارت به دور از تحریم برای ایران فراهم نماید تا تجارت خود را با دو قدرت بزرگ اقتصادی نظیر چین و هند و حتی روسیه افزایش دهد. ایران سالهاست که در بدترین شرایط تحریمی ایالات متحده قرار دارد و سایر کشورها هم همسو با آمریکا این تحریمها را اعمال نموده اند. لذا عضویت ایران در این سازمان می‌تواند تحریمهای ظالمانه آمریکا را تا حدودی کم اثر نماید، به سبب وجود منافع مشترک ایران با سازمان همکاری شانگهای از قبیل کریدوری که چین قصد دارد به اروپا بکشد و با توجه به این که ایران هم در این مسیر قرار دارد. موجب خواهد شد که این همکاریها سبب ایجاد منافع متقابل گردد و نیاز متقابل بین کشورها برای ایران حایز اهمیت خواهد بود. همچنین بندر چابهار برای ایران اهمیت ژئوپلیتیک بالایی دارد. این بندر خدمات ساحلی را در پروژه‌های خارج کشور به اعضای SCO می‌تواند ارائه دهد و بدین ترتیب اقتصاد شناور ایران نیز مورد حمایت قرار گیرد. با این اوصاف ایران همچنین این فرصت را پیدا می‌کند که روابط دوجانبه خود با پاکستان را از طریق ابتکار کمربند و جاده (BRI)¹ تقویت بخشد.

حجم تجارت ایران در سال ۱۳۹۹ با اعضاء سازمان همکاری شانگهای معادل ۲۸ میلیارد دلار بوده (با سهم ۳۸ درصدی از تجارت ایران با کل دنیا) که با ۱۴/۶ میلیارد دلار صادرات (با سهم ۴۲ درصد از کل صادرات ایران به جهان) و با واردات

۱۳/۴) با سهم ۳۵ درصدی واردات از دنیا) می باشد که با توجه به سند همکاری ۲۵ ساله ایران با چین و همچنین در کنار عضویت دائمی ایران در این سازمان با تغییرات گسترده ای در روابط تجاری و اقتصادی ارتقا یابد.

معهدا باید این مطلب را اضافه کرد که اولاً این ظرفیتها بالقوه هستن و بالفعل شدن اونها به میزان زیادی بستگی به توان داخلی ایران دارد. اتحادیه اقتصادی اوراسیا با وجود ظرفیت‌های اقتصادی بسیار بیشتر در FTA^۱ امضا شده با ایران نتوانسته است به صورت کیفی و بر اساس انتظارات تحول در روندهای تجاری ایران را رقم زند و طبیعتاً به همین نسبت از سازمان همکاری شانگهای هم انتظار فراتر از آن داشت. همچنین آن که مزیت های اصلی عضویت ایران در شانگهای سیاسی و امنیتی هستند و از دریچه سیاست باید گشایش های اقتصادی را انتظار داشت.

چین با برنامه سرمایه‌گذاری چندصد میلیارد دلاری در ایران، بزرگ‌ترین عضو حامی ایران در سازمان همکاری شانگهای می‌باشد. این دو کشور در حال حاضر هم از روابط دوجانبه خوبی برخوردارند. ایران و چین هر دو قرارداد ۲۵ ساله همکاری را جهت تحکیم روابط سیاسی و اقتصادی خود امضا کرده‌اند. چین فهمیده است که بدون حمایت ایران نمی‌تواند اهداف خود را در اتصال شرق و غرب از طریق جاده ابریشم فراهم آورد. ایران نقش ژئوپلتیکی مهمی در آرزوهای قاطع اقتصادی چین دارد؛ نقشی که ۶۵ کشور دیگر را نیز در برمی‌گیرد. چین در هر دو پروژه: کمربند اقتصادی جاده ابریشم و جاده ابریشم دریایی قرن ۲۱، به دسترسی زمینی و دریایی ایران نیاز دارد. این پروژه‌ها، از راه آسیای مرکزی و آبهای آزاد ایران، اتصال چین را به اروپای شرقی و غربی فراهم می‌آورند.

به همین ترتیب، روسیه نیز از بازیگران قدرتمندی است که از تقویت جایگاه و عضویت دائمی ایران در SCO سود بالایی می‌برد. هر دو کشور همکاری خوبی در زمینه‌های تجاری، امنیتی، اقتصادی و سیاسی دارند. الحاق ایران به سازمان به تقویت این امر خواهد انجامید. روسیه بازوی نهادی سازمان محسوب می‌شود می‌تواند از اهمیت جغرافیایی و استراتژیک ایران برای تأمین منافع مالی خود در کشورهای حوزه خلیج فارس بهره‌مند شود.

علاوه بر این، کشورهای آسیای مرکزی شامل تاجیکستان، ازبکستان، قرقیزستان و قزاقستان نیز می‌توانند روابط دیپلماتیک و سیاسی خود را بر مبنای این دستاورد جدید گرم‌تر کنند. ترکمنستان نیز به عنوان عضو دائم SCO با ایران پیوندهای قدرتمندی در سطوح مختلف دارد. فلذا کشورهای آسیای مرکزی فرصت ارتقاء جنبه‌های تجاری خود را از طریق دسترسی به آب ایران در چارچوب طرح کمربند و جاده (BRI) توسط عضو مؤسس SCO یعنی چین خواهند داشت. با این کار کشورهای آسیای مرکزی قادر خواهند بود با ایران در پروژه‌های جمعی انرژی که به تقویت روابط انرژی و اقتصادی می‌انجامد، همکاری کنند.

از دیگر ره آوردهای قطعی برای ایران در عضویت دائم این نهاد بزرگ، تکمیل حلقه جغرافیایی اولین منظومه بزرگ ژئوپلتیکی در جهان است که با توجه به نقش ستونی ایران برای شانگهای، هر گونه نفوذ و مداخلات بازیگران سنتی در بخش قابل توجهی از قاره بزرگ آسیا مسدود می‌شود.

بر این اساس اگر ظرفیت‌های اقتصادی در این پیمان بخوبی احصا و استفاده شود، فرصت بسیار عالی برای ایران وجود دارد که بتوان به صورت سازمانی با بخش بزرگی از اقتصاد دنیا ارتباط برقرار کنیم؛ موضوعی که هیچ زمان تجربه نشده است.

اعضای این پیمان، بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر انرژی (ایران و روسیه) در دنیا هستند و کشورهایی هم در این پیمان به‌عنوان بزرگ‌ترین مصرف کنندگان انرژی (چین - هند) در دنیا هستند.

این امر نشان می‌دهد که ایران با فرصت بسیار خوبی روبه‌رو شده است که می‌تواند از آن بیشترین بهره‌برداری را داشته باشد. این پیمان می‌تواند در فعالیت صنایع مختلف، عملکرد فعالان اقتصادی و... اثر مثبت بگذارد؛ البته موارد عنوان شده به شرط آن است که ایران برنامه‌ریزی مناسب و جامع برای حضور در این پیمان داشته باشد. در این راستا تحریم‌ها همیشه یک مانع بر سر راه فعالیت‌های اقتصادی بوده است، اما اگر هوشمندانه در این سازمان عمل کنیم، می‌توانیم تحریم‌کنندگان را به جهت رفع تحریم‌ها تحت فشار قرار دهیم؛ چرا که تحریم‌کنندگان متوجه می‌شوند که ایران با بخش بزرگی از اقتصاد در ارتباط است. از سویی اگر تحریم‌کنندگان فشارهای تحریمی خود را بیشتر کنند، پیمان‌های اینچنینی می‌تواند مفری، برای خنثی کردن اثرات تحریم باشد. در سطح نظام دو راه حل در موضوع تحریم‌ها وجود دارد، یک آنکه تحریم‌ها را از طریق مذاکراتی چون مذاکرات وین که از سال‌های گذشته شروع شده، برداریم و سناریوی دیگر خنثی کردن تحریم‌ها است. بر این اساس اگر بدرستی از پیمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بهره‌برداری شود برای هر دو سناریویی که نظام پیش‌بینی کرده، کاربرد دارد.

ورود در پیمان‌های منطقه‌ای قطعاً حاوی آثار و پیامدهای اقتصادی می‌باشد و بر مبنای مزیت نسبی اقتصاد کشورهای عضو، ایران را در تعامل اقتصادی قرار خواهد داد. در این تعاملات معمولاً نرخ‌های تعرفه ترجیحی فی‌مابین کاهش می‌یابد تا حذف کامل قرار می‌گیرد. فلذا کالاها و خدمات فی‌مابین کشورهای عضو ارزاتر مبادله می‌گردد و این موجب تقویت تعاملات اقتصادی فی‌مابین می‌شود. لذا عضویت در سازمان همکاری‌های شانگهای هم می‌تواند منافع اقتصادی خوبی برای ایران به ارمغان آورد و ایران را از انزوا خارج نماید، مع‌هذا ایران در شمار کشورهای در حال توسعه ای محسوب می‌شود، که صادرکننده مواد خام و مواد اولیه می‌باشد. در فرایند توسعه اقتصادی نیاز به ورود تکنولوژی و ایجاد تکنولوژی‌های برتر است. در میان کشورهای عضو سازمان همکاری‌های شانگهای هیچکدام جزء کشورهای توسعه یافته (عمدتاً کشورهای نوظهوری چون چین و هند و یا در حال توسعه می‌باشند) محسوب نمی‌شوند که از تکنولوژی و فناوری به روز و برتری برخوردار باشند تا ایران بتواند در این مسیر از آن بهره‌گیرد. هرچند چین و بعضاً روسیه ممکن است بتواند در برخی تکنولوژی‌ها کمک نمایند. ولی تجربه تاریخی نشان داده که رفتار چینی‌ها و روس‌ها در تعاملات اقتصادی و بین‌المللی کمتر قابل اطمینان است. از طرفی هم زیرساخت‌های صنعتی کشور غالباً در چارچوب و فرمت صنایع غربی (غرب محور) می‌باشد و با این رویکرد شرقی در صورت عدم مدیریت صحیح، قطعاً به مشکل بر خواهیم خورد. لذا پیوستن به چنین مجموعه‌ای از منظر اقتصادی، منجر به صادرات بیشتر مواد اولیه خام و اولیه ایران در کوتاه‌مدت می‌شود (بدلیل مزیت نسبی ایران در آن) و احتمالاً برای دور زدن تحریم‌ها بتواند مفید باشد و این امر منجر به واردات کالاهای صنعتی و تمام شده از چین و بصورت محدود از روسیه شود. از آنجایی که محصولات صنعتی همراه با ارزش افزوده بالا است، می‌توان گفت در بلندمدت تراز تجاری ایران با این کشورها منفی‌تر می‌شود و تراز تجاری آنها با ایران مثبت‌تر می‌شود. و اگر ایران با ورود به این سازمان که از سویی منجر به فاصله گرفتن از غرب بوده و از سوی دیگر با توجه به منازعات کشورهای عضو با توجه به تنش‌های افغانستان "که دچار بحران حاکمیتی است" می‌باشد، هوشمندانه وارد تعامل اقتصادی با این سازمان نشود، از این طریق در فرآیند توسعه اقتصادی قرار نخواهد گرفت.

به طور خلاصه برای آثار اقتصادی پیوستن به سازمان همکاری‌های شانگهای می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

اتصال به کریدور و مسیرهای اقتصادی و تجاری منطقه اوراسیا

حفظ و گسترش بازار مصرفی بزرگ و بادوام برای نفت و صادرات غیرنفتی

بهره‌گیری از توان و قدرت اقتصادی و ظرفیت‌های چین

ایجاد روبه‌ای برای مبادله آزاد کالا و دستیابی به توافقاتی در زمینه اعطای امتیازات و معافیت‌های مربوط به تعرفه‌های گمرکی

دسترسی به یک بازار بسیار بزرگ و بهره‌مندی از منابع اقتصادی آن نیز رفع برخی نیازمندی‌های فناوری کشور با توجه به عضویت روسیه و چین

توسعه گردشگری و تبادل هیات‌های بازرگانی

پروژه‌های مشترک در حوزه انرژی تجدیدناپذیر (نفت و گاز) و توسعه همکاری در منابع آب شیرین کن

همکاری بانکی: تشکیل شورای مشترک بانکی بین کشورهای عضو، هدف از تشکیل این شورای مشترک بانکی تسهیل در فراهم آوردن سرمایه مورد نیاز برای اجرای پروژه‌های مشترک سازمان عنوان شده است.

از دیگر مزایای پیوستن به سازمان همکاری‌های شانگهای وجود خط سراسری (TSR) از مبداء بنادر چین به مقصد اروپا و خط ریلی (TCR) متصل کننده کشورهای شرق دریای خزر و افغانستان به چین و امتداد آن از بندر اکتائو در شرق دریای خزر تا آذربایجان و ادامه آن تا ترکیه در غرب؛ جهت جابجایی کالاهای کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای است که کشور می‌تواند با دسترسی به این مسیرها و خطوط از طریق مزایا و تسهیل‌گری ناشی از پیوستن به سازمان همکاری‌های شانگهای به احیای ظرفیت‌های ترانزیتی خود بپردازد.

نتیجه گیری:

موضوع پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای از مباحث با اهمیتی است که اگر چه به صورت علمی و تئوریک چندان به آن پرداخته نشده، ولی همواره موافقان و مخالفانی را در بین کارشناسان اقتصادی داشته است. موافقان معتقدند در شرایط کنونی اقتصاد ایران، انعقاد قراردادهای بین‌المللی برای حوزه تجارت خارجی، یک اقدام حیاتی به شمار می‌رود و در دوران سخت تحریم‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است که می‌توان بر روی آن تمرکز کرد، توسعه روابط تجاری متقابل می‌تواند در کاهش بحران‌های سیاسی منطقه‌ای نقش مؤثری ایفا نماید، ایران و کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای با وجود مناسبات تجاری فعلی از روابط دو جانبه مناسبی برخوردارند که می‌تواند مشوقی برای تشکیل همپیوندی تجاری منطقه‌ای محسوب شود. مخالفان نیز بر توان رقابتی پایین کشور در برخی صنایع تأکید دارند. موافقتنامه تجاری ایران و سازمان همکاری شانگهای به طور مستقیم بر واردات و صادرات کشور اثرگذار است و همچنین با توجه به آن که اجرای موافقت نامه تبعات گسترده‌ای در تمامی بخش‌ها و بازارها دارد شایسته است امکانات بالقوه در بخش‌های مختلف تولیدی مورد ارزیابی قرارگیرد و با دیدی روشن نسبت به اعطای امتیازات تجاری و توسعه تجارت اقدام شود و از آنجا که هدف دولت‌ها از سیاست‌گذاری‌ها و اجرای برنامه‌های اقتصادی، تأمین نیازهای جامعه و فراهم کردن حداکثر رفاه برای شهروندان است، بررسی دقیق تبعات الحاق ایران به این سازمان از اهمیت بالایی برخوردار است.

در ایران نتایج مطالعاتی نظیر آداروف و قدسی (۲۰۲۰) نشان می‌دهند توافقنامه‌های ترجیحی بین ایران و کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا (که تعدادی از آن‌ها از اعضای اصلی سازمان همکاری شانگهای می‌باشند) باعث افزایش تجارت متقابل برای هر دو شریک تجاری خواهد شد و صادرات از ایران به این کشورها تا ۴٪ افزایش خواهد داد.

همچنین نتایج مطالعات دیگر نشان می‌دهد که با آزادسازی کامل تجاری با کشورهای عضو اتحادیه‌ها رفاه همه مناطق افزایش می‌یابد، درجه افزایش رفاه اعضا با همدیگر متفاوت است و این امر به شرایط اقتصادی کشورها و نیز به مقدار تعرفه اولیه (قبل از آزادسازی) بستگی دارد. تفکیک اثرات تعرفه‌ها بین کشورهای مختلف عضو سازمان شانگهای می‌تواند مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گیرد، پس لازم است تغییر تعرفه‌ها با کشور مختلف با حساسیت بالایی انجام شود.

در بسیاری موارد اعمال سیاست‌های اقتصادی جدید در کشور به صورت یک باره بوده است، در این نوع از اعمال سیاست‌های اقتصادی، مجالی به بخش‌های مختلف اقتصادی برای هماهنگی با سیاست‌های جدید داده نمی‌شود و در نتیجه خسارات زیادی به اقتصاد وارد می‌شود. مطابق یافته‌های علمی، پیشنهاد می‌شود کاهش تعرفه‌ها بین ایران و کشورهای شانگهای به صورت تدریجی و در طول چند سال انجام شود. با توجه به اینکه ایران در سال‌های اخیر در شرایط تحریمی بوده است، حضور ایران در سازمان همکاری شانگهای از اهمیت بسزایی برخوردار است و می‌تواند ظرفیت عظیم و قابل توجهی را در اختیار اقتصاد کشور قرار دهد. در پایان خاطرنشان می‌نماید، علمای اقتصاد، نهادها و کیفیت آن را منبع مزیت نسبی هر کشور می‌داند و براساس آن بیان می‌کنند که در کشورهایی که کیفیت نهادی پایین دارند (اغلب کشورهای در حال توسعه)، قراردادهای به صورت ناقص اجرا می‌شود. در چنین وضعیتی، انگیزه تزییع حقوق دیگران، وجود دارد. برای پیشگیری از چنین امری بایستی هزینه‌های ناظر بر اجرای قراردادهای و تضمین امنیت قراردادهای و حقوق مالکیت افزایش داده شود. بنابراین علاوه بر هزینه‌های مرسوم، هزینه‌های مبادله را نیز باید در محاسبات لحاظ نمود. از این روی جهت بهره برداری از مزایای بالقوه پیوستن به سازمان همکاری شانگهای، باید از مزیت نسبی نهادی مناسبی برخوردار باشیم. در حال حاضر، کشورهای عضو دایم سازمان همکاری شانگهای، ویژگی‌های مشترک زیادی از جمله به لحاظ درآمد سرانه و کیفیت حکمرانی باهم دارند. براساس داده‌های اقتصادی کشورهایی عضو شانگهای اغلب میانگین متوسط درآمد سرانه و کیفیت حکمرانی، کمتر از متوسط جهانی را دارند و اختلافات شدیدی در همه زمینه‌ها از جمله در نهادهای حقوقی-اقتصادی (نظیر نظامات حقوقی، حاکمیت قانون، کنترل فساد، شفافیت، فضای کسب و کار و...) و نیز در وضعیت حکمرانی اقتصادی، حکمرانی سیاسی (از جمله ثبات سیاسی) و ... در این کشورها متفاوت بوده که این امر قطعاً بر حجم و ترکیب تجارت کالاها و خدمات می‌تواند اثرگذار باشد. لذا برای بهره‌مندی از این عضویت، ضرورت دارد، سیاست‌گذاران اقتصادی و سیاسی، نخست کیفیت نهادهای حقوقی-اقتصادی و وضعیت حکمرانی اقتصادی را بهبود دهند. لذا بدون توجه به این مسایل، جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند از آثار مثبت آن به نحو مقتضی بهره‌مند شود.

منابع:

- ۱- مهرداد پارسامنش (۱۳۹۹)، بررسی پیامدهای اقتصادی کرونا و آینده دلار بعنوان ارز مسلط، ماهنامه بانکداری آینده، شماره ۴۷
- ۲- مهدی نجاتی و همکاران (۱۳۹۹)، تحلیل اثرات رفاهی آزادسازی تجاری با رویکرد الگوی تعادل عمومی محاسبه پذیر چند منطقه ای: مورد مطالعه ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، فصلنامه اقتصاد و الگوسازی، دوره ۱۱، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹
- ۳- شهرام اسفندیار و همکاران (۱۳۹۶)، منافع ملی و عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای، دوفصلنامه علمی- پژوهشی دانش سیاسی، سال سیزدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان
- ۴- نیما نجارزاده (۱۳۹۲) سازمان همکاری شانگهای، منتشر شده در پایگاه نشر مقالات حقوقی، حق گستر
- ۵- Adarov, A., & Ghodsi, M. (2020). The Impact Of The Eaeu-Iran Preferential Trade Agreement. The Vienna Institute For International Economic Studies(Wiiv), Working Paper (۱۷۹)

